



دشمن به جای حملات بیرونی به دنبال آسیبهای درونی در جهان اسلام است

آیت الله هادوی تهرانی با اظهار تأسف از عدم هماهنگی میان حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی در مورد رفع خشونت‌های جهان اسلام، تأکید کرد: متأسفانه نتوانستیم در جهان اسلام، علمای اسلام...

آیت الله هادوی تهرانی با اظهار تأسف از عدم هماهنگی میان حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی در مورد رفع خشونت‌های جهان اسلام، تأکید کرد: متأسفانه نتوانستیم در جهان اسلام، علمای اسلام و شخصیت‌های سیاسی و مدیران کشورهای اسلامی را در این جهت سامان دهیم که البته یکی از علل اصلی این ناکامی، سیاست‌های آشکار و پنهان استکبار جهانی است. آیت الله مهدی هادوی تهرانی از مدرسان عالی حوزه علمیه و عضو مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، پیرامون علت تشدید خشونت‌ها در جهان اسلام به ویژه علیه شیعه، به سؤالات خبرنگار دین و اندیشه مهر پاسخ داده است که در پی می آید:

موج جدید خشونت‌های مذهبی و ضد شیعی در سالهای اخیر پررنگ شده و آن را می توان به نحوی از جنبه سیاسی بیشتر تحلیل کرد، اما دامنه این مسئله به مناطقی همچون آسیای شرق کشیده شده است که تا پیش از این کمترین نگرانی نسبت به اختلافات مذهبی و به ویژه بین شیعه و اهل تسنن دیده می شد، اما با توجه به اخبار نگران کننده ای که از یک سال پیش تا کنون به دست آمده است متأسفانه این اقدامات ضد شیعی با حمایت دولتهای این مناطق بعضا اتفاق می افتد و حتی از تشدید محدودیتهای قانونی علیه فعالیتهای مذهبی شیعیان می شنویم که نگران کننده است حتی در اندونزی اخیرا ائتلاف ضد شیعی با حمایت دولت شکل گرفته است. در ابتدا بفرمایید با توجه به اینکه عصر حاضر را عصر عقلانیت، معنویت، ارتباطات و... می نامند؛ به نظر شما چرا چنین خشونت‌های جاهلانه و غیرانسانی و غیراخلاقی از سوی کسانی که خود را پیرو پیامبر اسلام(ص) می دانند، سر می زند؟

نکته اولی که باید توجه داشت اینکه استکبار جهانی در برخورد با جهان اسلام به این نتیجه رسیده است که جهان اسلام از بیرون چندان آسیب پذیر نیست و زمانی ممکن است جهان اسلام جدا آسیب ببیند که از درون آسیب صورت گیرد به همین جهت حملات بیرونی که در دوره ای تشدید شده بود مثل اقدامات جنون آمیز برخی افراد به اصطلاح مسیحی در آمریکا در آتش زدن قرآن یا اقداماتی که در مورد کاریکاتورهای علیه پیامبر اسلام(ص) در اروپا صورت گرفت و یا حرکاتی که قبل از اینها نظیر آیات شیطانی انجام گرفت، به دلیل مقابله امت اسلامی با این حرکتها عملا این اقدامات با شکست مواجه شد و به همین دلیل استکبار جهانی به جای حملات بیرونی به جهان اسلام به دنبال آسیبهای درونی است.

مهمترین ابزاری که استکبار جهانی برای آسیب درونی پیدا کرده است اختلافات مذهبی است. در این بین دو گروه به شکلی مأموریت پیدا کردند که این اختلافات را تشدید کنند؛ یک گروه افراطون سنی هستند که در غالب گروههای سلفی و وهابی فعالیت می کنند و طرف مقابل تعداد معدودی از افراطیون جاهل شیعه هستند که به نام دفاع از اهل بیت(ع) اقداماتی انجام می دهند که در واقع دستاویز آن گروههای افراطی سنی واقع می شود. امروز وقتی رسانه های این دو گروه را مشاهده می کنید، می بینید بیشترین مقدار توجه این دو مجموعه به یکدیگر است یعنی افراطیون سنی از افراطیون شیعه مطالبی را در رسانه هایشان نقل می کنند و بالعکس؛ و با ایجاد درگیری بین شیعه و سنی به دنبال توسعه اختلافات در امت اسلامی و ایجاد آسیب جدی در پیکره امت اسلامی هستند. مسئله ای که در سالهای اخیر مکررا توسط مقام معظم رهبری بدان تذکر داده شده است و ایشان در هر دو سوی قضیه تذکرات جدی داشتند که از افراطی گری شیعه و سنی دوری شود و اینکه هر دو طرف ابزارهایی در دست دشمنان اسلام هستند که اختلافات را در داخل امت اسلامی توسعه دهند.

در واقع تکفیریها در چنین فضایی شکل گرفتند یعنی ما همچنان که شاهدیم جریانهای افراطی سنی، شیعیان را تکفیر می کنند، در کنارش اقدامات افراطی را از برخی جریانات شیعی- که مورد انکار تمام مراجع شیعی و رهبری معظم انقلاب هستند- می بینیم که رفتارهای آنها باعث تشدید این خشونتها از طرف تکفیری ها می شود. البته از آنجایی که امکانات و ابزارهای تبلیغی از سوی وهابی ها و تکفیری ها بیشتر است نمود اقدامات آنها برجسته تر است و از طرفی افراطیون شیعه هم به آنها کمک کردند و به آنها دستاویز دادند تا علیه شیعه اقدام کنند. یعنی تکفیری ها با بهره گیری از مطالبی که جریانات افراطی شیعه در رسانه هایشان پخش می کنند، به آن به عنوان نمونه های کفر تشیع استناد می کنند و بعد تصاویری دلخراش از کشتار شیعیان را به عنوان مجازات داشتن چنین اعتقاداتی، در رسانه هایشان نشان می دهند.

این یک خطر بسیار بزرگی است که در سالهای اخیر دائم تذکر داده شده است و متأسفانه علیرغم این هشدارها و تذکرات، همچنان این جریانات از سوی دو طرف ادامه دارد و این ناشی از حمایت‌های مالی، تبلیغاتی، سیاسی و مدیریتی است که از سوی استکبار جهانی از هر دو جریان می شود و ما برای اینکه بتوانیم این جریان را به صورت جدی کنترل کنیم باید اولاً در داخل بیت شیعه با حمایت از جریانات معتدل و مستقیم شیعی که نمایندگی آن را مرجعیت شیعه و رهبری معظم انقلاب بر عهده دارند و حوزه های علمیه همواره پرچمدار چنین جریان منطقی و معقول بودند و هستند، این جریاناتی که معمولا ریشه در کشورهای استکباری دارند و از مراکز امنیتی و اطلاعاتی آن کشورها امکاناتی را می گیرند و تحت حمایت تبلیغاتی آنها هستند، را یا کنترل و یا از مجموعه شیعی خارج معرفی کنیم تا معلوم شود تفکر مکتب اهل بیت(ع) چیست و مرجعیت شیعه چه

چیزی را به عنوان مشخصات شیعه معرفی می کند. در طرف سنی نیز ما باید از علمای جهان سنی و مسئولین کشورهای اسلامی به صورت جدی هم در حوزه دیپلماسی سیاسی، هم دیپلماسی فرهنگی و هم دیپلماسی مذهبی بخواهیم که آنها جریانات تکفیری را که آفتی برای جهان اسلام هستند را کنترل و مدیریت کنند. علمای بزرگ الازهر و مفتی بزرگ مصر و سوریه و عالمان بزرگ در عراق و در دیگر کشورهای عربی و نیز عالمان بزرگ اندونزی و خاور دور باید در مقابل جریانات تکفیری عکس العمل نشان دهند.

من بسیاری از این شخصیتها را از نزدیک می شناسم، اینها شخصیهایی معتدل و منطقی هستند و قطعاً با نوع تفکر تکفیری مخالف هستند اما متأسفانه یک جریان سازمان یافته در جهت افراط دائم در حال تشدید اختلافات است و در جهت اعتدال هیچ مدیریت سامان یافته‌ای وجود ندارد تا جریانات تکفیری را سرکوب یا کنترل کند و این جریانات باید از سوی شیعه و سنی کنترل شود تا در نهایت ما بتوانیم این فتنه ای که آغاز شده و استکبار جهانی امید دارد آن را به جنگ تمام عیار بین مذاهب اسلامی تبدیل را کنترل کرده و از این فاجعه جلوگیری کنیم. البته من معتقدم جهان اسلام ظرفیتهای فراوانی برای کنترل این قضیه دارد و در طرف شیعه تمامی مبانی نظری و توانایی های علمی شیعه برای حمایت از جریانات معقول و معتدل حامی تشیع آمادگی دارد و در طرف سنی هم شخصیهایی برجسته ای جود دارند که با همین نوع نگاه نسبت به مسائل آمادگی نقش آفرینی دارند و این بر عهده مسئولین نظام جمهوری اسلامی است- که البته از حمایتهای رهبری معظم انقلاب در این زمینه برخوردار هستند- تا منویات ایشان و مراجع معظم تقلید را در ساماندهی حرکت علیه اقدامات تکفیری ها مدیریت کنند و به این مسئله به عنوان بخشی از وظایف نظام جمهوری اسلامی ایران بنگرند.

نقش علما، اندیشمندان و پژوهشگران و کسانی که امکان رایزنی علمی و فرهنگی را دارند در این زمینه چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا تا کنون صرف محکومیت این اقدامات وحشیانه از سوی علما راه به جایی برده است؟ یعنی اقدامات عملی از سوی عالمان دینی به شکل تأثیرگذار نمی بینیم؛ گویی که بیشتر اخبار و حوادث این قضیه را رصد می کنند و از سوی اندیشمندان دینی و یا کسانی که امکان رایزنی دارند فعالیت آنچنانی نمی بینیم و روز به روز اخبار خشونت آمیز بیشتر می شود و هیچ اقدام عملی برای روشنگری نسبت به اینکه تبعات این مسئله دامن خود جهان اهل سنت را هم خواهد گرفت، صورت نمی گیرد، گو اینکه در سوریه شیعه به آن معنا نداریم و بیشتر گروههای تکفیری هم مذهبی های خود را به خاک و خون می کشند. احساس می شود که در این دوره بیشتر نگاه سیاسی حاکم بوده تا نقش علما و اندیشمندان دینی. نقطه قوت و یا ضعف ما در این زمینه چیست؟

اینکه می گوئید اقدام عملی صورت نگرفته را رد می کنم. باید توجه داشت در این زمینه اقدامات فراوانی صورت گرفته است که در رأس آنها تذکراتی است که از سالها پیش مقام معظم رهبری به شکل آشکار و غیرآشکار در جلسات خصوصی و یا پیامهای خاص به برخی سران کشورهای اسلامی داشته اند و تذکرات جدی داده اند و خطر این مسئله را یادآوری کردند. در حوزه سیاسی تلاشهای زیادی صورت گرفته تا این قضایا کنترل شود. قضیه سوریه از مسائلی بوده است که از ابتدای شکل گیری این حوادث، جمهوری اسلامی ایران سعی کرده در راستای سیاستهای کلی نظام کار را به شکل کاملاً مسالمت آمیز و نتیجه ای قابل قبول برای تمام طرفهای درگیر منتهی کند که البته سیاستهای استکبار جهانی و دسیسه های برخی از کشورهای وابسته به استکبار مانع از آن شده است.

در حوزه فرهنگی و مذهبی هم اقدامات زیادی شده است چنانکه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تلاشهای زیادی کرده است و مجموعه هایی از علما را در ایران و در سایر کشورها گرد آورده و بیانیه های متعدد از سوی علمای شیعه و سنی صادر شده است و مجمع جهانی بیداری اسلامی نیز در این زمینه اقداماتی را انجام داده است ولی نکته اینجاست که این حرکتها کافی نبوده است. به هر حال آثار جهالت زودتر دیده می شود و آثار حکمت دیرتر آشکار می شود و جهالت در افشار بیشتری می تواند نفوذ کند در حالیکه حکمت در دایره کمتری معمولاً نفوذ خود را نشان می دهد.

نکته بعدی اینکه باید توجه داشت بخشی از این مسائلی که در برخی از کشورها اتفاق می افتد، بزرگنمایی های تبلیغاتی هم هست که با هدف ایجاد تنش مطرح می شود مثلاً یک تعداد بسیار محدودی در یک جای کم اهمیت، یک حرکتی را انجام می دهند که در سطح رسانه طوری بازتاب پیدا می کند که انگار جمعیت زیادی با یک حمایت گسترده مثلاً دولتی این کار انجام داده اند که در واقع چنین چیزی نیست. مثلاً در یکی از مناطق دوردست اندونزی که یک کشور بزرگ با جمعیت 300 میلیونی است و حدود 4 ساعت و نیم اختلاف ساعت بین ایالتهای آن وجود دارد. در این کشور به این بزرگی یک نفر در یکی از روستاهای دوردست در یک درگیری مذهبی کشته می شود و بعد در رسانه ها به شکلی اغراق آمیز به گونه ای این خبر مخابره می شود که گویی درگیریهای مذهبی در میان مردم آن منطقه اتفاق افتاده است که چنین مسئله ای اصلاً واقعیت ندارد. به نظرم این تعبیر اغراق آمیز به نفع جریاناتی است که به دنبال توسعه خشونتها در امت اسلامی هستند و باید رسانه های ما نیز در نقل و انتقال اطلاعات در این زمینه کاملاً دقت کنند و وسواس به خرج دهند چون بعضی از اوقات این اطلاعات غیردقیق رسانه ای باعث عکس العملهایی از سوی برخی از شخصیتها می شود که آن هم مسائلی را در پی خواهد داشت.

به هر حال این یک واقعیت است که ما نمی توانیم بدون هماهنگی در حوزه سیاسی، فرهنگی و مذهبی کار را در این زمینه مدیریت کنیم و این نقصی است که ما داشته ایم و متأسفانه نتوانستیم در جهان اسلام علمای اسلام و شخصیهایی سیاسی و مدیران کشورهای اسلامی را در این جهت سامان دهیم که البته یکی از علل اصلی این ناکامی، سیاستهای آشکار و پنهان استکبار جهانی است که به ویژه در بین دولتمردان برخی از کشورها نفوذ بسیار دارند و مانع می شوند و نیز در بین علمای دینی

هم به دلیل حمایت‌های مالی از آنها، نفوذهایی دارند و این مسئله امکان وجود برخی از شبکه های ماهواره ای را برای افراطیون شیعه و سنی فراهم کرده است و ما امروز می بینیم در حالیکه بسیاری از گروه‌های شیعه در برخی کشورهای اروپایی با محدودیت های جدی روبرو می شوند، اما به برخی از افراطیون شیعه امکانات ویژه ای از سوی این کشورها داده می شود و به آنها اجازه داده می شود که به مقدسات اهل سنت توهین کنند؛ امری که مورد انکار مقام معظم رهبری و مراجع معظم تقلید واقع شده است و به هیچ وجه مورد پذیرش شیعه نبوده است.

***پیش بینی شما از وضعیت آینده جهان اسلام چیست؟**

من معتقدم تلاشهایی که انجام شده در مقایسه با توطئه ای که در آن طرف شکل گرفته است، چندان موفق نبوده است. البته برخی از مسائل هست که اگر ان شاء الله به نتیجه برسد می تواند آثار گسترده ای در رفع این وضعیت داشته باشد که یکی از این اتفاقات، مسئله سوریه است و ما امیدواریم طی ماههای آینده به سمت و سوی مناسبی سوق داده شود و با انتخابات این کشور بسیاری از بحرانهای موجود در این کشور متوقف شود و اگر این اتفاق بیفتد قهرا تأثیر گسترده ای در مسائل فرهنگی و مذهبی در سطح جهان و به ویژه در امت اسلامی خواهد داشت. اما این مطلب، وظیفه ما را به عنوان عالم دینی یا مسئول سیاسی در قبال این بحران و خطری که وجود دارد، کاهش نمی دهد و این وظیفه امت اسلامی به صورت عام ؛ و عالمان دینی و شخصیت‌های سیاسی و اجرایی به صورت خاص است که با روشنگری عقاید و مذاهب، به گونه ای فضا را آماده کنند تا مردم بدانند که واقعا اختلاف بین مذاهب اسلامی لازمه آن درگیری‌های فیزیکی و خشونت‌ها نبوده و نیست، بلکه صاحبان مذاهب اسلامی در طول قرنهای متمادی با هم زندگی کرده اند و همکاری داشته اند و این اختلاف نظرات در امت اسلامی هیچگاه مانع وحدت نبوده و نیست، و امروز بیش از گذشته باید بر روی وحدت اسلامی تأکید کنیم که خطر شکسته شدن این وحدت و ایجاد دشمنی ها و درگیریهای منطقه ای در امت اسلامی در حال افزایش هست و ما حداقل این احتمال را بدهیم که جزایر آرامی که در آن شیعه و سنی در طول قرن‌ها مسالمت آمیز با هم زندگی کرده بودند، امروز گرفتار تلاطم‌های شده است که ممکن است در آینده به درگیری هایی بینجامد و اگر امروز ما مدیریت نکنیم در آینده قطعا کنترل بسیاری از بحرانها سخت تر خواهد بود.

***رسانه ها در کشورهای اسلامی چه نقشی دارند؟**

**** غیر از مسئولیتی که امروز علمای اسلامی و مسئولان سیاسی و اجرایی جهان اسلام دارند مسئولیت بسیار بسیار بزرگی بر اصحاب رسانه امت اسلامی است که سعی کنند حقایق اسلامی و مفاهیم اسلام را به مردم معرفی کنند و در این بین سعی کنند با انتشار اخبار دقیق و صحیح جلوی برخی سوء استفاده ها را بگیرند. مثلا چند سال پیش عبارتی را مفتی مصر به کار برده بود که به علت برداشت اشتباه در رسانه ایران، عکس العملهایی در پی داشت که بعدها مشخص شد که اصلا هیچکدام از اینها منطبق بر واقعیت نبوده و دیدگاه ایشان خیلی معقول و معتدل بوده است و اصلا آنچه در رسانه نشان داده شد، با واقعیت تطابق نداشته است و این مسئولیت سنگینی بر دوش رسانه هاست که هم دانش اسلامی را درست منتقل کنند و هم اخبار امت اسلامی را به گونه ای منتقل کنند که مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرد.**

گفتگو از زینب ملکی